



آلی اکبر مقدّاس

رمان «ایتالیایی» که برنده جایزه مهم و معروف بوکر عربی در سال ۲۰۱۵ شده است. مشابه رمان هایی که نامشان را از نام یا صفت شخصیت اصلی خود می گیرند (رمان های درخشانی چون «تام جونز» هنری فیلدینگ، «جین ایر» شارلوت برونت، «آناکارینینا» ی تولستوی، «زوربای یونانی» گائزانزا کیس، «گنسی بزرگ» فیتز جرال و «شوهر آهوخانم» علی محمد افقانی) داستانی است

درباره زندگی پرفراز و نشیب و سراسر از بنگاه های فردی واجتماعی قهرمان رمان یک جوان روشن فکر و روزنامه نگار تونسسی با نام «عبدالنصر» که به خاطر قیافه و ظاهرش همه او را «ایتالیایی» خطاب می کنند، از دوران کودکی تا میاان سالی، البته نویسنده ادیب و کاربلد رمان، به شکلی هوشمندانه و هدفمند، داستان را از انتهای آن تعریف می کند، بدین صورت که گشایش رمان رخدادی است عجیب و شوکه کننده در مراسم تدفین حاج محمود، پدر شخصیت اصلی. در تابستان ۱۹۹۰ میلادی، هنگامی که عبدالنصر با همان ایتالیایی دقیقا سی سال دارد و مدتی است که از همسرش، زینه، جدا شده است. این اتفاق ناپهنگام و به شدت سؤال برانگیز که رموزار پس پشت آن در صفحات پایانی رمان کشوده می شود، بهانه ای است برای وارد شدن به داستان زندگی ایتالیایی که اتفاقا دریکی ازدوران های پرآشوب سیاسی واجتماعی کشورش، تونس، زیست می کند ونخست به خاطر تحصیلات دانشگاهی ادر دورانی که دانشجویان بیشتر در طلب سیاست بودند تا علم، [ص ۱۷] و سپس به دلیل شغلش که روزنامه نگاری است، بیش از یک شهروند عادی درگیر حیات اجتماعی در یک جامعه بحران زده است. به عنوان نمونه، برکناری بورقیه، رئیس جمهور تونس، در یک کودتای بدون خون ریزی، در سحرگاه ۲۷ نوامبر ۱۹۸۷، به دست معاوشن، زین العابدین علی (که سرگونی او آغازگر «بهار عربی» در همین سال های اخیر بود) یکی از ده هارخدای است که ایتالیایی شاهد آن هاست (ص ۲۳۸). در ادامه، ضمن عرض پوزش بابت طولانی شدن مقدمه، به چند نکته درباره رمان اشاره می کنم؛ نکته ای که به نظر حقیر رمان را از آثار مشابه متمایز و دریافت پذیری چون بوکر عربی و جایزه ادبی تونس ۲۰۱۵ را توجیه می کند؛

۱. شیوه روایت داستان و زاویه دید انتخاب شده بدیع و نوآورانه است و تلفیقی از روایت اول شخص و دانای کل محدود. یکی از دوستان و هم سالان ایتالیایی که خودش می گوید: «ما اهل یک محله بودیم، او [ایتالیایی] مرا رازنگهدار خود قرار داد و تقریبا همه چیز را به من می گفت. به ترس هایش پیش من اعتراف می کرد و تمام ترفته ها و حقه هایش را با من در میان می گذاشت» (اصص ۴۳-۴۴) بخش هایی از داستان را به گونه ای نقل می کند که گویی با خود شاهد و ناظر آن ها بوده است یا آن ها را از زبان ایتالیایی و در خلال یکی از بی شمار اعتراف های او به اتفاقات بیرونی و حتی درونی تأملات و تحولات روحی و روانی شخصیت اصلی که به خاطر روح نا آرام او اتفاقا کم هم نیستند شنیده است. اما بخش های دیگری از داستان را که عقل حکم می کند دوست ایتالیایی با همان راوی اول شخص نمی توانسته یا نمی خواسته «راوی» آن ها باشد، یک راوی همه جا حاضر دانای کل تعریف می کند که البته بیشتر همراه ایتالیایی است تا مثلا همراه همسرش، زینه. به عنوان نمونه، در یکی از بحران های زناشویی این زوج، ما خوانندگان از اعمال و رفتار (و حتی افکار) طرف مذکر ماجرا یا همان ایتالیایی کاملا آگاه می شویم، در حالی که نمی دانیم زینه چه می کند یا چگونه می اندیشد. البته نویسنده، با قراردادن نشانه هایی در داستان، هم به ما خوانندگان و هم به شخصیت اصلی اش کمک می کند تا از ماجرا سر در آوریم. اما محدودیت راوی دانای کل در این بخش ها کاملا مشهود است؛

۲. زبان به کار رفته در رمان که با تلاش های مترجم محترم به خوبی به ما خوانندگان فارسی زبان منتقل شده، زبانی دقیق، غنی، پخته و در مواردی دیرپار است که انصافا خواندن رمان را به فعالیتی فرح بخش و درعین حال اندیشمندانه بدل می سازد. به عنوان نمونه، در همان نخستین صفحه رمان، نویسنده ایتالیایی را به کارگزاران باران د زیندر تشبیه می کند که «هرگز شانس نداشتند با سواد شوند»، استفاده از این عبارت و صفی به جای ده ها صفت ساده و آسان باب (مانند سلخته، کنیف، یا حتی بی سواد) نشان می دهد که نویسنده برای نوشتن یکایک جمله های رمان وقت صرف کرده و عرق ریخته است؛

۳. نویسنده «صراحت گریز» است و به جای اینکه همه اتفاقات ریزودرشت داستان را حاضروآماده و چونان لقمه ای جویده در اختیار ما خوانندگان قرار دهد، در بسیاری موارد، به طور ضمنی و تلویحی به گوشه ای از یک ماجرا یا بخشی از یک جمله اشاره می کند و از ما خوانندگان می خواهد که بیندیشیم و همراه و هم دوش شخصیت های داستان رخدادها را زندگی کنیم. «دعوت به اندیشیدن» و «فراهم ساختن امکان «همدلی و هم زیستی» با شخصیت های رمان دو ویژگی برجسته رمان های جدی و ماندگار تاریخ ادبیات اند؛

۴. شما با خواندن این رمان و همراهی با ایتالیایی دوره ای حدودا ده ساله و مهم از تاریخ اجتماعی و سیاسی تونس را مرور خواهید کرد، دورانی که بسیار مشابه اوایل دهه ۵۰ شمسی در کشور عزیزمان است. به عنوان نمونه، در صفحات ۶۹ و ۷۰ رمان، سران یکی از گروه های چریکی و چپ مخالف دولت از ایتالیایی می خواهد که زینه، شریک عاطفی اش، را ترور کند و به او می گوید: «اگر نمی توانی این کار را انجام بدی، خودم انجامش می دهم». این گونه تصفیه های

درون گروهی در تاریخ ایران را

می توانید در فیلم سینمایی

«سپانور»، به کارگردانی کارگردان

خوش قریحه مشهدی، بهروز

شعبی، ببینید.

«ایتالیایی»، نوشته شکر المیخوت.

ترجمه مریم نفیسی راد، نشر آده.

۱۴۰۳، صفحه ۳۵۹، ۳۴۰ هزار تومان.

حماسه شور می آفریند و هویت می بخشد



دارد که آشناکردن نسل امروز با عقبه بسیار غنی تاریخی و دینی و انقلابی یکی از آن هاست. یکی از کارکردهای اصلی آشنایی جامعه با بحث هویتی در موضوع حماسه پرداختن به آثار مکتوب است. تاریخ کشور ما نشان می دهد که ما به آثار مکتوبمان زنده ایم. نکته دوم اینکه در حوزه هنرهای هفت گانه ادبیات پایه همه رشته هاست. زمانی که سراغ داستان و رمان می رویم، دلیش این است که هنرهای شش گانه دیگر را تقویت کنیم.

اما درباره اختتامیه هم بگویم که مراسم ساعت ۱۸ یکشنبه، یازدهم مهر، صادف با هفتم اکتبر (سالگرد حمله حماس به فلسطین اشغالی)، در آرامگاه فردوسی برگزار می شود. برای برگزاری اختتامیه برنامه ریزی کرده ایم که خود مراسم هم بتواند فضای تبیینی داشته باشد، هم برای مخاطبان اصلی که نویسندگانی هستند که از نقاط مختلف کشور می آیند و هم برای مخاطبانی که کنشگر فعال این حوزه هستند. با توجه به اتفاقات اخیر، برای شهید سید حسن نصرا... هم برنامه هایی داریم. همچنین، تلاش می کنیم که برویم سراغ نویسندگانی که در محور مقاومت جهان اسلام هستند و ماحیلی از آن ها را در این مدت شناسایی کرده ایم.

جایگاه های بعدی را داشتند. از مجموع آثار، ۵۰ اثر در بخش داستان کوتاه و ۲۶ اثر در بخش رمان به مرحله دوم راه پیدا کردند. در هر دو بخش ۱۰ نفر به مرحله نهایی راه پیدا کرده اند که سه نفر برگزیده در بخش رمان و پنج نفر برگزیده در بخش داستان کوتاه روز یکشنبه معرفی خواهند شد.

آثار برگزیده چاپ خواهد شد. جایزه ها هم به این ترتیب است؛ در بخش رمان نفر اول ۱۵۰ میلیون تومان، نفر دوم ۱۰۰ میلیون تومان و نفر سوم ۵۰ میلیون تومان دریافت می کند و در بخش داستان کوتاه به پنج برگزیده، نفری ۲۰ میلیون تومان جایزه تعلق می گیرد.

داوران بخش رمان و داستان کوتاه جدا بودند؛ سه داور بخش رمان آقایان محمدکاظم مرزبانی، ابراهیم اکبری دیزگاه و علی اصغر عزتی پاک، و سه داور بخش داستان کوتاه آقایان محمدعلی رکنی، خسرو باباخانی و تیمور آقامحمدی بودند.

ابراهیم زره ساز عضو شورای سیاست گذاری چهارمین جشنواره جایزه ملی «داستان حماسی»:

● در حال شناسایی نویسندگان محور مقاومت هستیم

● داستان حماسی «چند ویژگی

از کشورهای فارسی زبان بوده اند. در این بخش از ۲۸ استان کشور اثر به دبیرخانه رسیده است که خراسان رضوی با ۳۳ رمان، تهران با ۲۷ رمان، قم با ۲۲ رمان و مازندران با ۱۱ رمان، به ترتیب، بیشترین اثر را در بخش داشته اند. گروه سنی ای که بیشتر برای ما اثر فرستاده هم بین ۳۵ تا ۴۵ سال بوده است.

در سه موضوع جشنواره که شامل «حماسه های بومی»، «حماسه های دینی» و «حماسه های تاریخی» بوده است، حماسه های بومی با ۷۵ رمان، حماسه های تاریخی با ۶۶ رمان و حماسه های دینی هم با ۴۴ رمان، به ترتیب بیشترین سهم را در این دوره داشته اند.

در بخش داستان کوتاه، ۷۴ اثر از ۲۴ نفر از سی استان به دبیرخانه رسید که از این تعداد ۱۲۱ نویسنده آقا و ۲۴۵ نویسنده خانم بودند. دو نویسنده غیرایرانی هم برای این بخش اثر فرستاده بودند. خراسان رضوی با ۱۵۲ اثر، قم با ۱۰۲ اثر، تهران با ۸۱ اثر و فارس با ۶۲ اثر، به ترتیب بیشترین آثار فرستاده اند. گروه سنی ۲۵ تا ۳۵ سال هم گروهی هستند که صاحب بیشترین آثار بودند. همچنین، از نظر موضوعی، در بخش داستان کوتاه حماسه های بومی با ۳۰ اثر بیشترین سهم را داشت و پس از آن حماسه های دینی با ۲۲ اثر و حماسه های تاریخی با ۱۷ اثر

وقتی از داستان حماسی و مسئله حماسه صحبت می کنیم، درباره شورآفرینی و هویت بخشی سخن می گویم. ما هم در منابع کهن خودمان، مانند «شاهنامه» فردوسی و منابع ایرانی، در ادبیات حماسی سابقه داریم و هم در منابع دینی. از طرفی، انقلاب اسلامی هم با حماسه عجین شده است. در واقع، داستان حماسی توانسته است جمع و فضای جدیدی را در میان هنرمندان و داستان نویسان متنوع کشور فراهم کند، چه آن ها که می خواهند از داستان های کهن اقتباس کنند، چه عزیزانی که می خواهند از منابع دینی بهره بگیرند و قلم بزنند و چه کسانی که می خواهند درباره تاریخ معاصر و وقایع انقلابی و حماسی معاصر بنویسند. اولین و مهم ترین رویکرد داستان حماسی که امروز توانسته است سبب فراگیری اش شود، این است که توانسته طیف های متنوعی از نویسندگان کشور را با خودش همراه کند. نکته دیگر نیاز کشور ماست. به اتفاقاتی که در یک سال اخیر اتفاق افتاده است، نگاه کنید. به طوفان الاقصی که در سال گذشته

آغاز شد و رویکرد مقاومتی که در جبهه مقاومت داریم و حمله «وعدۀ صادق» نگاه بکنید، تا اتفاقاتی که درون کشورمان افتاده است. هر کشوری برای پیشرفت نیاز به روحیه حماسی دارد. برای همین، کشور نیاز دارد از ابزار هنر و قصه استفاده کند. اگر هنر نتواند با نیازهای جامعه ارتباط بگیرد، پس از مدتی افول می کند. بسیاری از آثار هنری که رشد ندارند یا افول دارند، به این دلیل است که نسبتشان با فضای اجتماع نسبت دقیقی نیست. با توجه به همین نکات است که جایزه «داستان حماسی» توانسته است جای خوبی را در فضای هنری کشور باز کند.

مجید عسکری، رئیس جشنواره «داستان حماسی» و رئیس حوزه هنری:

● به حماسه برای شورآفرینی نیازمندیم

● به ۸ برگزیده، در مجموع ۴۰۰ میلیون تومان جایزه تعلق می گیرد

من می خواهم گزارشی از این دوره جشنواره بدهم. در دو بخش فراخوان را منتشر کرده بودیم؛ داستان کوتاه و رمان. در این دوره همه فراز و نشیب هایی که داشته و دارد، نیازمند این است که در بعضی رویکردهای

موضوعی و فرمی و محتوایی به نوآوری هایی برسد. اولین و مهم ترین شاخصه جشنواره «داستان حماسی» نوآوری ای بوده که در انتخاب رویکرد یا موضوع خودش داشته است.

وقتی به جشنواره ها و جایزه های مختلف نگاه می کنید، می بینید که موضوعات قالبی هستند. به عنوان نمونه، معمولا جایزه ادبی به نام یک هنرمند ویژه است. اما جایزه «داستان حماسی» رویکرد اصلی خودش را موضوعی نوآورانه قرارداده که خاصیت اصلی اش این است که در عین موضوعی بودن می تواند تنوع خودش را در سراسر کشور حفظ کند.

● حسین عباس زاده، دبیر اجرایی چهارمین جایزه «داستان حماسی»:

● به ۸ برگزیده، در مجموع ۴۰۰ میلیون تومان جایزه تعلق می گیرد

من می خواهم گزارشی از این دوره جشنواره بدهم. در دو بخش فراخوان را منتشر کرده بودیم؛ داستان کوتاه و رمان. در این دوره همه فراز و نشیب هایی که داشته و دارد، نیازمند این است که در بعضی رویکردهای

این ۸۸۹ اثر از ۵۲۴ نویسنده است. در بخش رمان ۱۸۵ اثر رسیده از ۱۵۸ نویسنده است که از این تعداد ۶۸ نفر آقا و ۹۰ نفر خانم بوده اند. چهار تن از نویسندگان این آثار غیرایرانی و

هراسان / چون رفتار باد با درخت / چون پیراهنی زخمی بر میخ / هر کلمه خنجری است بر سینه دفتر / هر تکه کوه سنگ قبری است ایستاده / گاهی اندوهی / کوهی را می شکافد / و رودخانه ای را / سنگی / ایستاده ام / رو به زخم / در سرزمینی تلخ / چون درختی در مراسم اعدام.

زخم / لانه پرنده ای



دستی که میز را چیده بود / در نورهای خاکستری اتاق / صبح ها / نان و گردوی تازه در سینه داشت / و با اشیا / به مهربانی برخورد می کرد / عصر ها / از بوی شراب خانگی / در سینک ظرف شویی / جام ها و روّیاها را بالا می آورد / دستی که میز را چیده بود / در شرعی اتاق / آسمان کیود بود / که اشیا ی زخم خورده را / از زمین جمع می کرد.

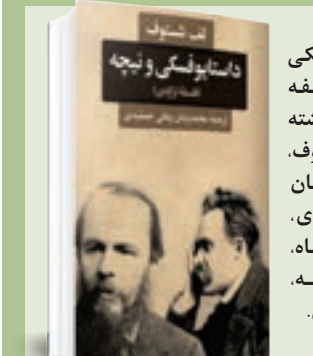
درباره کتاب «داستایوفسکی و نیچه (فلسفه تراژدی)» اثر لف شستوف

غوری در فلسفه راویان رنج

فقط ایمان به خدای قادر مطلق می تواند سبب رستگاری شود.

در این بحث درباره رمان ها و داستان های دو نویسنده مشهور روس و مقالات و حکمت های فیلسوف منزوی آلمانی که نبوغش سرانجام باجنون خاموش شد، شستوف به ایده ها و بینش هایی می رسد که دیگر منتقدان از آن ها غافل مانده اند. ارزش استاورد او به طور گسترده ای به رسمیت شناخته شده است.

برای نوشتن این مطلب، از ترجمه بخشی از معرفی کتاب در «آمازون» استفاده شده است.



«داستایوفسکی و نیچه (فلسفه تراژدی)»، نوشته لف شستوف، ترجمه محمدزمان زمانی جمشیدی، نشر نگاه، ۲۷۲ صفحه، ۲۷۵ هزار تومان.

که توانایی انسان برای رویارویی بی پرده با واقعیت محدود است. از دیدگاه شستوف، داستایوفسکی، تولستوی و نیچه همگی در درک تراژدی اساسی زندگی انسان اشتراک دارند؛ تراژدی ای که نه افزایش دانش علمی و نه هیچ سطحی از اصلاحات سیاسی و اجتماعی نمی تواند به طور درخورتو جویی آن را کاهش دهد. در نهایت،

واژگانی گوناگون برای اشاره به فرایندی یکسان. اگر این شرایط را به حساب آوریم، شاید چندان شگفت ننماید که نیچه چنین به داستایوفسکی ارج می نهاد. این ها واژه های راستین خود اوی اند، «داستایوفسکی تنها روان شناسی است که توانسته از او چیزی بیاموزم. من آشنایی با او را در زمره شکوهمندترین دستاورد های زندگی خود می دانم.» نیچه داستایوفسکی را روحی خوشیاوند روح خودش دانست.

ادبی درخشان قرن نوزدهم اروپا ارائه می دهد، داستایوفسکی، تولستوی و نیچه که هر سه تأثیر تعیین کننده ای بر شکل گیری فلسفه شخصی او داشته اند. به گفته شستوف، عظمت این نویسندگان در بررسی عمیق آن ها از مسئله معنای زندگی، رنج، شر و مرگ نهفته است. اینکه هر سه گاهی از این تأملات دست کشیده و به موعظه گری های معمول روی آورده اند، از ارزش آن ها نمی کاهد، بلکه تنها نشان می دهد

ادبیات، چنین مواردی بسیار کمیاب است. روزگار جدید، افزون بر داستایوفسکی، تنها از نیچه می تواند نام تزد؛ نیچه هم این گونه بود؛ گسستش از آرمان ها و آموزگاران جوانی اش کمتر از داستایوفسکی شدید و طوفانی نبود. و هم زمان به گونه دردناکی پرتب و تاب بود. داستایوفسکی از بازایی اعتقاداتش سخن می گوید. برای نیچه پرسش ارزشیابی دوباره همه ارزش ماطرح است. در واقع، هردو این بیان ها چیزی نیستند مگر

